

برمال؛ سجاده سنتی کردی

نشمیل معروف‌پور*

چکیده

به سجاده سنتی کردی، برمال گفته می‌شود. برمال در دو یا یک قطعه بافته می‌شود که به صورت‌های مختلفی در منطقه نامیده می‌شوند. برمال اغلب به رنگ‌های سفید و سیاه یا سفید و قهوه‌ای بافته می‌شود. طرح‌های به کار رفته در برمال نیز دو دسته‌اند؛ طرح‌های اصلی و فرعی که هر کدام انواع مختلفی از شکل‌ها را ایجاد می‌کنند. برمال جایگاه مهمی در زندگی روزمره و دینی مردمان این منطقه دارد و پرداختن به یکی از نمادهای دینی می‌تواند دستمایه خوبی برای تولید یک برنامه مذهبی مخاطب‌پسند باشد.

کلیدواژه‌ها: بافته سنتی، سجاده کردی، برمال، جاجیم، جولا

* کارشناسی ارشد مردم‌شناسی و پژوهشگر واحد آموزش و پژوهش صداوسیما مرکز مهاباد
na.marroofpoor@gmil.com

مقدمه

یک بافته سنتی و اصیل، حاصل تلاش دورانی از زندگی یک یا چند بافنده است؛ یادگاری از رنج صادقانه نسل پیش برای آینده. هر بافته‌ای که امروز در اختیار ماست، در گذشته پذیرای خستگی انسان‌ها، شنونده درد دل‌هایشان، وسیله زندگی‌شان و هم‌صحبت و راوی داستان هزاران ساله آنها بوده است. در واقع، هر بافته سنتی، دنیایی از رمز و رازها، معانی و نمادها و در عین حال، یک وسیله زندگی است: مامن و مونس تلاش بی‌وقفه انسان، از زایش بره‌ها و مراقبت از گوسفندان تا چیدن و شستن پشم و ریسیدن و بافتن و ... خلاصه اینکه ذره‌های وجود یک بافته تا نهایت انسجام، همواره بر دوش خالقان آن بوده است. نقش، رنگ و مجموعه تصاویری که بر یک بافته می‌نشیند، آرمان‌ها و حرف‌های خالق آن و روایت ماجرای زندگی او و مردمانی است، با اعتقادات و فرهنگ و جغرافیای خاص خودشان که همیشه آماده تراوش از ناخودآگاه و نقش بستن بر منقشی است. (رحیمی، ۱۳۷۶: ۲۳)

بافته‌های سنتی کردستان، انواع مختلفی دارند که با توجه به شیوه بافتن، می‌توان آنها را چنین دسته‌بندی کرد: ۱. بافته‌های داری؛ منظور، آن بافته‌هایی است که با کمک دستگاه «جولایی»^۱ بافته می‌شوند؛ همچون سجاده یا برمالم (barmâl)، جاجیم (جاجم^۲ jâjm) یا چارشینو نون^۳ (non e r)، بوزو

۱. دستگاه جولایی و ابزارهای آن از چوب ساخته می‌شود و به‌ندرت قطعات آهن در آن به کار می‌رود. در بعضی از دستگاه‌ها حتی میخ‌ها هم چوبی بوده است. دستگاه جولایی که با نیروی انسان کار می‌کند، چارچوبه‌ای است به شکل مستطیل که به وسیله پایه‌هایی روی کف اتاق قرار می‌گیرد و همه ابزارهای دستگاه بر آن چارچوبه سوار شده‌اند. (فتاحی قاضی، ۱۳۶۲: ۶۰)

۲. در زبان کردی، در تعدادی از کلمات بین دو حرف هیچ صدایی تلفظ نمی‌شود. همچنانکه در این کلمه بین دو حرف «ح» و «م» هیچ صدایی وجود ندارد.

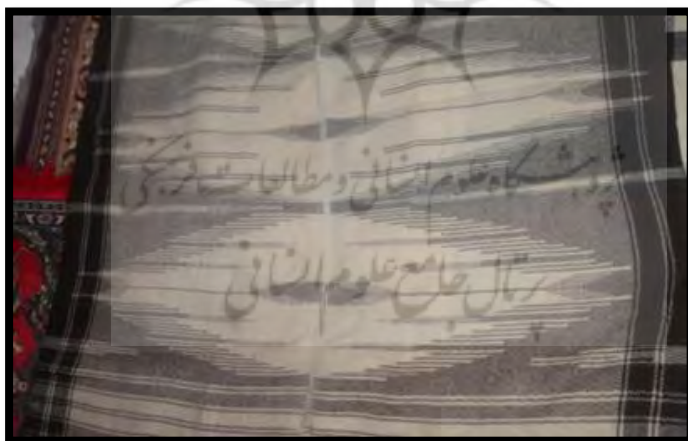
۳. چارشینو نون (تلفظ کردی)

برمال؛ سجاده سنتی کردی ❖ ۵۵

(buzu) (نوعی پارچه جهت تهیه لباس محلی به نام رانک و چوغه)^۱، فرش و گلیم. ۲. بافته‌هایی که با دست و با کمک وسیله‌ای همچون میل یا قلاب بافته می‌شوند، مثل کلاه و جوراب. ۳. بافته‌هایی همچون حصیر که صرفاً با کمک دست بافته می‌شوند.

ویژگی‌های برمال

سجاده یا «برمال» در دو یا یک قطعه بافته می‌شود. به برمالی که یک قطعه است در گویش محلی برمال «یک تخته» می‌گویند و مرغوب بودن آن به تار و پودهایش و تعداد کشکول‌های (تصاویر محراب مانند) آن است که معمولاً به صورت یک، دو یا سه کشکولی است. این نوع برمال، در مهاباد و اطراف آن بافته می‌شود که طول و عرض آن به طور متوسط ۱/۲۰ و ۱/۵۰ و گاهی ۲ متر است. باید گفت که اکثر جانمازها، دو تخته‌ای و نقش و نگار هر دو تکه، مشابه هم و قرینه هستند.



۱. رانک و چوغه (تلفظ کردی)

برمال سه کشکولی نوع دیگری از برمال است که در دو قطعه بافته می‌شود. قطعات پس از بافتن، اول به وسیله «شوژن» (u) و نخ، به طور موقت به هم دوخته می‌شوند و بعد، زنان و دختران، آن را با دوخت مخصوصی که «مام شه‌به‌قه»^۲ (mam abaqa) نام دارد، به هم می‌دوزند. (معروفی، ۱۳۵۵: ۲۸)

ترکیب رنگ و جنس

برمال معمولاً با ترکیب نخ‌ها در دو رنگ تهیه می‌شود؛ سفید و سیاه یا سفید و سرخ (همان قهوه‌ای است که در اصطلاح محلی سرخ گفته می‌شود). به ندرت نیز به طرز ساده یعنی یکدست سفید یا سرخ یا سیاه خالص که به آن «ساکار»^۳ (sâkâr) می‌گویند، بافته می‌گردد. با ۷۵۰ گرم یا یک کیلو «مه‌رهز»^۴ (maraz)، برمال «یک کشکول»، «دو کشکول» و «سه کشکول» می‌بافند (همان: ۲۸-۲۹). برمال از «خوری»^۵ (xori) یا «مه‌رهز» بافته می‌شود. نخ برمال چون باید دولا باشد، بنابراین تاییده می‌شود (در اصطلاح کردی «باده‌دری»^۶ (bâdadre). در اصطلاح محلی، برمال، «نیم سیه» (یک کیلو) «به‌ن»^۶ (ban) می‌خواهد؛ نیم درم (۲۵۰ گرم) سیاه و یک و نیم درم (۷۵۰ گرم) سفید یا

۱. سوزن بزرگ، جوالدوز

۲. دوخت دندان موشی

۳. به معنی ساده است.

۴. پشم نژادی از بز که به چهار رنگ، سفید، سیاه، خاکستری و قهوه‌ای دیده می‌شود. رنگ سیاه، سفید و قهوه‌ای آن برای برمال استفاده می‌شود. مه‌رهز در مقایسه با پشم گوسفند (خوری)، بسیار نرم و بادوام‌تر است. قیمت آن هم بسیار بیشتر است. از «مه‌رهز» انواع لباس زمستانی، همچون کلاه و جوراب می‌بافند که هم گرم هستند و هم دیر آب در آنها نفوذ می‌کند.

۵. پشم گوسفند

۶. رشته پشمی

برمال؛ سجاده سنتی کردی ❖ ۵۷

قهوه‌ای. نخ‌های برمال را رنگ نمی‌زنند و رنگ آنها طبیعی است (فتاحی قاضی، ۱۳۶۲: ۶۳). از مرحله شانه کردن پشم تا آماده شدن نهایی نخ برای بافتن برمال که یک کیلو باشد، حدود ۱۰ روز طول می‌کشد. چنانچه برمال مدت زیادی به کار نرود و در جای ثابتی نگهداری شود، برای جلوگیری از موربانه زدن، مقداری صابون رنده شده یا توتون را در لابه‌لای آن قرار می‌دهند.

شمایل‌نگاری در برمال

نقوش عامیانه، یکی از جلوه‌های هنر و اندیشه پویای آدمی است که بر اشیای زندگی نقش می‌بندد و به‌شدت به او پیوسته است. به کسی که امکان برقراری ارتباط با معانی پنهان طبیعت را دارد، هنرمند بومی می‌گویند که می‌تواند معانی را با مکاشفه یا شهود دریابد و آنچه درمی‌یابد، به صورت ظاهر عرضه کند. این نقش و نگاره‌ها که گواه نیروی آفرینندگی عادی‌ترین مردم است، در عین سادگی، مایه گرفته از زندگی روزمره مردم است و ریشه هنرهای تصویری موجود در فرهنگ یک جامعه به حساب می‌آید.

طرح‌های به کار رفته در سجاده سنتی کردی به طور کلی دو دسته‌اند: طرح‌های اصلی یا «بنه‌ره‌تی»^۱ (bnarati) و طرح‌های فرعی یا لاهه‌کی (lâvaki). طرح‌های اصلی، آنهایی‌اند که بسیار کهن هستند (صمدی، ۲۰۱۲: ۶۳). طرح‌های فرعی آنهایی‌اند که جولاً و بافنده با ذوق و سلیقه خود و متأثر از طبیعت اطرافش در بافته خود پیاده می‌کند؛ مانند شکل حیوانات و جانوران. معمولاً این طرح به نام یک جولاً که آفریننده آن است، شناخته می‌شود. در ادامه به معرفی تعدادی از طرح‌های اصلی پرداخته شده است:

۱. بنه‌ره‌تی (تلفظ کردی)

«بربه‌ندی»^۱ (brbandi): این طرح مخصوص سجاده و جاجیم است و برگرفته از «بربه‌ند» به معنی سوهان است که طرح‌های ریز در کنار هم، همچون دندان‌های این وسیله دیده می‌شوند. می‌توان گفت که این طرح‌ها، اغلب از محیط اطراف و وسایل زندگی روزمره گرفته شده‌اند.



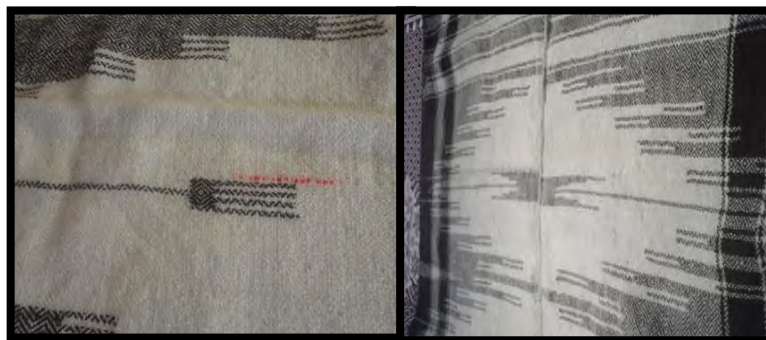
طرح بربه‌ندی (سوهانی)

«په‌نجه»^۲ (panja): طرحی که معمولاً در برمال و بیشتر در جاجیم دیده می‌شود. این طرح شامل خطی پهن و چند انگشت، همچون پنجه دست است. شاید استفاده از طرح پنجه دست به این دلیل است که در خلق آثار هنری و بافتنی‌های سنتی و همچنین به اقتضای شیوه زندگی در گذشته، دست انسان و انگشتان او وسیله‌ای بسیار مهم و اساسی به شمار می‌رفته‌اند. به همین صورت «قامکه»^۳ (qâmke) نیز نام یکی از طرح‌های برمال است که در کناره‌های کَشکول می‌گذارند.

۱. سوهان

۲. پنجه

۳. انگشت



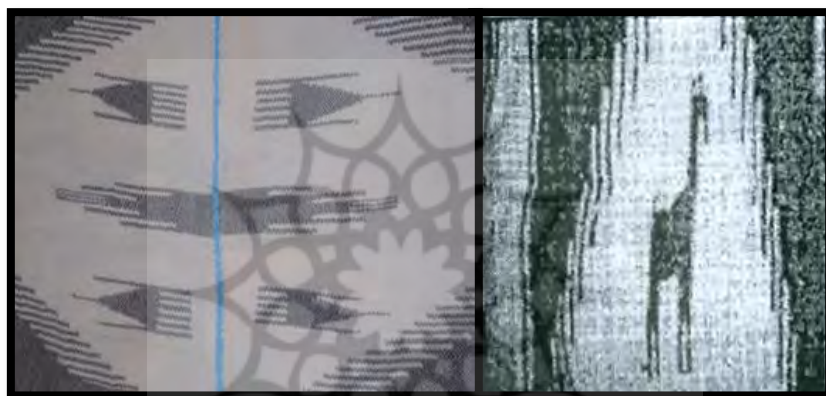
«چاو که له بابە»^۱ (kalababa): این طرح، مجموعه‌ای از مربع‌های کوچک در کنار همدیگر و مخصوص برمال و جاجیم است و نوعی مهارت خاص در کار جولایی به حساب می‌آید. معمولاً زمینه اصلی بافت برمال، بویژه در زمینه کشکول‌ها، این طرح است. در جاهایی که از یک رنگ استفاده شده است، شاید به دلیل ریز بودن، طرح به خوبی مشخص نیست، اما آنجا که رنگ‌های سفید و سیاه عوض می‌شوند یا کنار هم به کار می‌روند، به خوبی مربع‌ها دیده می‌شوند.



طرح چاو که له بابە

۱. به چشم خروسی معروف است.

«شانه» (na): عبارت است از یک طرح سه گوشه با چند دندان باریک که شبیه شانه سر است. این طرح در برمال و جاجیم به کار می‌رود و کردها از گذشته دور به این طرح شانه گفته‌اند. به کار بردن این طرح و انتخاب شانه به عنوان الگویی برای ایجاد نقشی ماندگار، بی‌ارتباط با زندگی مردم نیست. شانه در زندگی، وسیله پاکی و تمیزی و در اسلام، پاکی نشانه ایمان است. پس به طور غیرمستقیم شانه به ایمان و نماز خواندن مربوط می‌شود.



طرح شانه

طرح بزکوهی

شاید اسامی برخی طرح‌ها از یک وسیله یا جانور اسطوره‌ای گرفته نشده باشند، بلکه انتخاب آنها به دلیل شباهت تصادفی یک طرح به وسایل زندگی روزمره یا جانوران اطراف باشد.

زیبایی‌شناسی

در گذشته، پرداختن به صنایع دستی، کار کوچروانی بوده است که سالی دو بار برای یافتن مناسب‌ترین چراگاه‌ها، تمامی ارتفاعات، دامنه‌ها و دره‌های عمیق سرزمین خود را درمی‌نوردیدند. به اقتضای شیوه زندگی، در این گونه

مردمان، روح تکاپو، انرژی و سیر و سیاحت، بر قاعده و چارچوب غالب می‌شود و بنابراین آنها زیاد درگیر قالب و الگو نیستند. در عرصه بافته‌های کردی نیز قیدوبند وجود ندارد و نقشه بافته‌ها فاقد الگوی قبلی است و فی‌البداهه حاصل می‌شود. نقوش همچون مسیر صعب‌العبوری که می‌پیمایند و پرپیچ‌وخم و بیانگر روحیات مردم هستند. بدیهه‌بافی همچون بدیهه‌سرایی در آوازه‌های عامیانه کردی نیز از ناخودآگاه مردم سرچشمه می‌گیرد.

علاوه بر نقوش و طرح در بافته سنتی، رنگ نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اکثر بافته‌های سنتی، دارای رنگ‌های سیر و گرم هستند که با نگاه کردن به آنها، بر میزان حرارت، انرژی و هیجان آدمی افزوده می‌شود و ناخودآگاه، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. الهام گرفتن از طبیعت رنگارنگ و به کار بردن رنگ‌های گیاهی، در تنوع رنگ‌های بافته تأثیر مستقیم دارد. اما در این میان، «برمال» عاری از هرگونه رنگی است و نخ‌هایی که با آن بافته می‌شود خود رنگ هستند. در ساخت نقوش بافته‌های کردی و ترکیب رنگ آنها، با وجود شباهت‌ها و تأثیرات متقابل، الگوی خاص و تثبیت‌شده‌ای به عنوان نقشه وجود ندارد که در همه جا و نزد همه، به طور یکسان به کار رود؛ بلکه بافنده همچون یک نقاش در خلوت خود و متأثر از عواطف و ادراکاتش به آفرینش اثر می‌پردازد. بدون شک این نقوش و این ترکیب رنگ‌ها هرچه باشد، با روحیات و عواطف بافنده، ارتباط تنگاتنگ دارد و بافته کردی، تابلوی مفصل و منقش حیات درونی بافنده آن است. بافنده به فرهنگ، ارزش‌ها و سلاقی محلی تعلق دارد و ناخودآگاه آنها را در اثرش نمایان می‌سازد. در میان بافته‌های منقش، برمال، نسبت به بقیه، نقوش ساده‌تر و یکدست‌تری دارد و این طرح‌ها، اغلب کشکول‌هایی با تعداد متفاوت هستند. اما با این حال، بافنده

نیز در تعداد و اندازه کشکول‌ها و مال‌های ساکار و همچنین طرح‌های داخل کشکول‌ها خلاقیت و سلیقه خود را به کار می‌برد. برمالی مرغوب است که رنگ سیاه و سفید رنگ آن، خالص باشد و رنگ‌های دیگر در آن مخلوط نشده باشد. زمینه اصلی برمال باید سفید باشد، با کشکول‌های سیاه یا قرمز که بیشتر ترکیب رنگ‌های سفید و سیاه هم از نظر جولا و هم از نظر استفاده‌کنندگان آنها زیباتر است.

یکی از جنبه‌های تزئینی برمال که از سوی جولا یا زنان انجام می‌شود؛ منگوله‌هایی است که در حاشیه برمال هنگام تاب دادن نخ‌های انتهایی گذاشته می‌شود. به این منگوله‌ها در زبان کردی گولینگه (gulinga) یا گولینگ (guling) گفته می‌شود. با این کار در حاشیه برمال منگوله‌هایی ایجاد می‌شود و هنگامی که برمال را تا می‌کنند و در بلندی می‌گذارند، منگوله‌ها آویزان می‌شود و حالت تزئینی زیبایی به فضا می‌بخشد.

جایگاه برمال در ادبیات عامیانه کردی

تمامی بافته‌های سنتی کردها بویژه سجاده محلی که از نخ پشمی فراهم می‌آید از مراحل اولیه تهیه و آماده‌سازی مواد اولیه آنها، تا بافتن و نگاشتن طرح‌هایی با رنگ‌های متنوع و زیبا، با زندگی، آداب و رسوم و اعتقادات این مردمان درهم آمیخته است و تأثیر و تأثر متقابل از یکدیگر دارند؛ چرا که ارتباط بیشتری با اعتقادات و مقدسات بافنده‌ها و استفاده‌کنندگان آن دارد. عناصر فولکلوریک متعددی، بویژه در ادبیات شفاهی، درباره برمال در فرهنگ مردم کرد وجود دارد. علاوه بر خود برمال، در خصوص مراحل تولید و وسایل مورد استفاده در آنها نیز ضرب‌المثل‌ها، چیستان و ترانه‌هایی وجود دارد که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

برمال؛ سجاده سنتی کردی ❖ ۶۳

barmâli lasar ?âve dagare

بهرمالی لهسه ر ئاوی ده گه ری

سجاده اش روی آب می گردد. کنایه از اینکه تظاهر به تقوی می کند.

ta i labar darese

ته شی له بهر ده ریزی

دوک را پیشش می ریسد. کنایه از اینکه در برابر او ریاکاری و چاپلوسی می کند.

(معروفی، پیشین: ۴۷-۴۸)



دستگاه جولا

علاوه بر ضرب‌المثل‌ها و کنایات، رد پای این بافته سنتی را در ترانه‌های کودکان و زنان کرد نیز می‌توان مشاهده کرد؛ بویژه در رابطه با شغل جولایی (بافنده برمال با دستگاه جولایی) که در مناطق کردنشین بیشتر شغلی مردانه است. همچنین، در خصوص دستگاه جولایی و لوازم جانبی آن نیز می‌توان مواردی از ادبیات شفاهی را یافت که نشان از اهمیت جایگاه این شغل و این هنر اصیل، در فرهنگ مردم کرد است:

وهک جولاکه‌ی به سهرده‌ری خوی ناقایله

vak jolâkey ba sardari xoy nâqâyla

مانند جولا به «سردر» خود راضی نیست؛ یعنی به آنچه خودش بافته و خودش ساخته است راضی نیست. (فتاحی قاضی، ۱۳۷۵: ۶۸)

ئه من ئه توم نه کرد به جولا هه تا مه کوکم بدزی

amn atom nakrd ba jolâ hatâ makokm bdzi

من تو را جولا نکردم «مه کوکم»^۱ را بدزدی. این ضرب‌المثل را در جواب بدی کسی می‌گویند که در حق او خوبی شده باشد. (صمدی، ۱۳۸۸: ۲۸)

vak dâri jolâ hajmini le brâva وهک داری جولا چه جمینی لی براوه

مانند چوب جولا (مه کوک) آرامش و سکون از وی بریده شده است؛ یعنی قرار و آرام ندارد. این سخن بیشتر درباره کودکان گفته می‌شود (فتاحی قاضی، ۱۳۷۵: ۲۷۶).

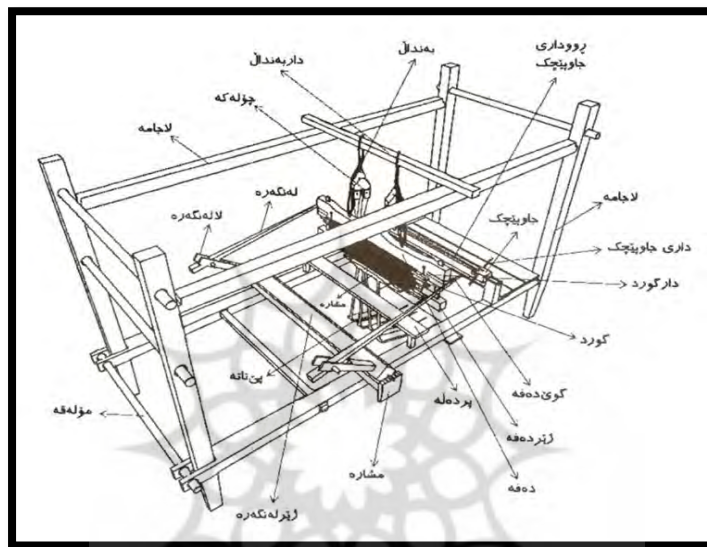
bo ke eki bermaleki nâsutenn بو کیچیکی بهرمالیکی ناسووتینن

برای یک شپش یک برمال را آتش نمی‌زنند. معادل آن در فارسی این است: برای دستمالی خانه‌ای را آتش نمی‌زنند. (پایانی، ۱۳۸۷: ۴۲۳)

۱. یکی از وسایل جانبی دستگاه جولایی که نخ‌ها در آن قرار می‌گیرد و در حین کار مرتب تکان می‌خورد.

برمال؛ سجاده سنتی کردی ❖ ۶۵

دوو میگه له کاور له دولیک دا نابن du megala kâvr la dolek dâ nâbn
 دو شیخ قدرتمند نمی توانند روی یک سجاده باشند. همتای این گفته
 سعدی که دو پادشاه در اقلیمی ننگند. (همان)



دستگاه جولایی

مراحل تولید برمال

۱. چیدن پشم از گوسفند یا بز
۲. شستن پشم
۳. شانه کردن پشم با دستگاه مخصوص مرکب از تخته چوبی محکم به نام «داره بهن»^۱ (dâra ban) که از جنس گردو یا بادام است، با میله‌های نوک تیز آهنی که به طور عمودی و با فواصل معین به آن کوبیده شده است. در زبان

۱. اسم محلی نوعی درخت جنگلی بسیار محکم و مقاوم است که از آن تخته نرد و رنده نیز می‌سازند.

کردی به این دستگاه شانه (ane) گفته می‌شود. شانه کردن برای جدا کردن تارهای کوتاه و بلند پشم از یکدیگر است.

۴. جدا کردن پشم شانه شده از همدیگر و تقسیم آن به سه‌روک^۱ (sarok) و بنوک^۲ (bnok).

۵. رسیدن مقدماتی پشم شانه شده، به قطر تقریبی یک سانتی‌متر که به آن خاوک^۳ (xâvk) می‌گویند و گلوله شده آن را «هورپه خوری» (horpe xori) می‌نامند.

۶. رسیدن «خاوک» به رشته‌های باریک به وسیله «ته‌شی» (ta i) (دوک) به قطر تقریبی نیم میلی‌متر و بعد گلوله کردن آن.

۷. تاب دادن دو رشته باریک به همدیگر به کمک دوک که به اصطلاح محلی بادان (bâdân) گفته می‌شود و گلوله کردن آن.

۸. پیچاندن نخ به دور دو پا به صورت راست و چپ، به منظور آماده کردن نخ برای تحویل دادن به رنگرز که به شکل آماده این نوع پیچاندن «ماشهر» (ma ar) می‌گویند.

۹. رنگ کردن «ماشهر» که فقط در جاجیم استعمال دارد (از آنچه که با دستگاه جولایی بافته می‌شود) و شامل سجاده نمی‌شود.

۱۰. شستن نخ رنگ شده.

۱۱. عمل تنیدن نخ به صورت مخصوص به دور میخ‌هایی کوبیده شده به زمین یا دیوار یا دستگاه که به اصطلاح محلی «رایهل کردن» (râyal krdn) می‌گویند.

۱. در واقع قسمت مرغوب پشم را می‌گویند.

۲. قسمت نامرغوب پشم یا مهره‌ز که فقط به درد بافتن جوراب و چادر می‌خورد.

۳. پشمی که هنوز به صورت خام بافته شده است.

برمال؛ سجاده سنتی کردی ❖ ۶۷

۱۲. جمع کردن نخ‌های رنگی با همدیگر و به صورت گلوله درآوردن آن، که به این نوع جمع کردن تریندوو (trindu) می‌گویند.
۱۳. گذراندن تریندوو (گلوله‌های نخ) از «شه و گورد» (av gurd) ها و بستن آن به داری به رگری (dari bargri) و قرار دادن سر دیگر نخ‌ها به «روداری جاوپیچکی» (rudari jave ki). (معروفی، ۱۳۵۵: ۳۲-۳۰)

کاربرد نمادین برمال

سجاده سنتی کردی، علاوه بر استفاده برای نماز خواندن، کاربردهای نمادین و پنهان دیگری نیز دارد. یکی از این کاربردها، هدیه دادن آن است. همچون هدیه دادن آن به مساجد و اماکن متبرک دیگری که در باور و فرهنگ عامیانه کردها جایگاه خاصی دارند. هدیه دادن سجاده به اماکن متبرک محدود نشده و گاهی مردم آن را برای هم هدیه می‌برند یا هنگامی که در جولا، سجاده‌ای بافته می‌شود اگر آشنا یا فامیلی آن را بخواهد، دستمزد بافتن را نمی‌گیرند و به عنوان هدیه به او می‌دهند. کاربرد نمادین دیگر سجاده سنتی کردی، انداختن آن بر روی جسد تا لحظه دفن کردن است. همرا داشتن سجاده در جهیزیه عروس نیز بیشتر از اینکه برای به کاربردن آن باشد، به عنوان نمادی مبارک و همچون مقدمه‌چینی برای اهل عبادت بودن زوجینی که زندگی جدیدی را شروع کرده‌اند، می‌باشد.

جمع بندی

در طول تاریخ، انسان برای حفظ خود در برابر تغییرات اقلیمی و فصلی، از بافتن پارچه برای البسه، زیرانداز، انواع پوشش انسانی و حیوانی و حتی برای زینت، ناگزیر بوده است. تولیدات نساجی در خلال هزاران سال، از ساده‌ترین

روش‌های بافندگی به صنعتی تغییر کرده است. صنعت بافت، در طول زمان در ابتدا از یک نیاز روزمره، به‌چنان تولیدات ظریف و تجملی رسیده است که امروزه، انواع بافته‌ها، بیشتر (و در مواردی صرفاً) برای زیبایی یا به‌عنوان مظهر هویت گروهی یا نماد اعتقادات و باورها به کار برده می‌شود. اگر سجاده صنعتی از لحاظ کاربردی و نمادین، جایگزین سجاده سنتی و دستبافت شده باشد؛ از لحاظ هویتی و اصالت فرهنگی، هرگز نمی‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؛ اصالتی که با به‌همراه داشتن هنر انسانی و رمز و رازهای نهفته در آن، زیبایی منحصربه‌فردی به بافته سنتی می‌بخشد. چنانچه سجاده صنعتی، کاملاً جایگزین نوع سنتی آن شود، کارکرد اجتماعی و فرهنگی بافته سنتی با آن از بین می‌رود؛ چرا که سجاده صنعتی صرفاً جنبه کاربردی پیدا می‌کند و در آن از نمادها خبری نیست و دیگر همچون سجاده سنتی نمی‌تواند از شیوه معیشت و زندگی مردمان متعلق به آن بگوید. همچنین شخص دارنده سجاده سنتی، بویژه اگر خود، مراحل تهیه نخ از پشم و بافتش را انجام داده باشد، وابستگی و تعلق خاطر عمیقی به آن پیدا می‌کند.

منابع

الف) کتاب

۱. پایانی، صلاح (۱۳۸۷). فرهه‌نگی زاره‌کی موکریان. ج ۲، تهران: مؤلف.
۲. رحیمی، مسعود (۱۳۷۶). بافنده کرد، نقاش ذهن خویش. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳. صمدی، عبدالله (۲۰۱۲). گه‌شتیک به کارگه‌ی جولایی دا. هولیر: انتشارات آکادمیای کورد.
۴. فتاحی قاضی، قادر (۱۳۷۵). امثال و حکم کردی. ج ۲، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

ب) مقاله

۱. فتاحی قاضی، قادر (۱۳۶۲). «صنعت جولایی و لغات و اصطلاحات آن در مهاباد». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. ش ۱۳۰.
۲. معروفی، ابراهیم (۱۳۵۵). «جولایی یا جولاهگی در کردستان». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. ش ۱۱۷.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی